



ANASTASIA

Code: Codename

Uploader: NT

Translator: Undead

Editor: Aysa / Undead

Helping: ...

Director: NT

تیر ترجمہ و اسکرین آٹومی سکران تقدیر میکنے۔



حجج...

لحظه‌ای که
از اون قطار پامو
گذاشتم بیرون...



آزاده

پوف...

مطمئن بودم که
دیگه معپور نمیشم با این
گوه هم اتاق پنجم...

من فقط به اتاق
مجزا میخواستم همین!

حتی یه لحظه هم
آرامش ندارم چون هر بار
گند میزنه به سالم.

و در مورد خواب...؟ سر اونم
یه بد بختی ریله دارم!



بگذریم...
به عنوان کسی که تکلیفش
با خودش معلوم نیست و

گاہو پی گاہ غیپش میزنه؛
- تازه از حرفای عجیبشتم نگم -
اتکا کردن پهبش سخته.

اما، برای آروم کردن
زهنم، من جز اعتماد بهش
چاره‌ای ندارم...

وقتی این ماموریتو
تکمیل کنم... اون طرح
اولیه میوفته دست من.



یادمه تو حرفاش، خیلی
واضح گفت که هدفش
سود بردن از 'آناستازیا'ست...

اما، در عین حال،
حس نمی‌کردم انگیزه‌ش
پول یا قدرت باشه.

اون حتی در برابر گلوله، در یه
جستجوی بی‌شعر بدون استراحت یا
نتیجه... فقط به نظر میومد که
داشت از اون تجربه‌ها لذت میبرد.



شبهه به یه بچه که
جذب سناریوهای جاسوسی
سرگرم‌کننده شده.



علایقش اونو نسبت به
عواقب دنیای واقعی کور کرده؛

هم نسبت به اونایکه میکشت، و هم
خطر مرگ خودش. اون اهمیتی نمیداد.

همونطور که
این حرومی اکیداً
طبق علایق خودش
حرکت میکنه...



اخم

وقتی حوصله‌ش سرپره؛
با اون شخصیت پی‌رحمش
ممکنه بدون هیچ تردیدی
یه تغنگ به سمت نشونه پره؛
و به همچی با من پایان بده.

برای همین که هر لحظه با
اون بودن، حس بازی
با آیتو به آرام میاره.

از اینجا میتونم
فکراتو بشنوم...

خم شدن

من فقط
داشتم سعی میکردم فکرامو
مرتج کنم. میدونی که، کلی
داستان داریم...

هاها.

دو-دوم

کاری از تیم
ترجمه و ادیت انجمن سکای
مارو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنیاال کبید


... بگذریم. این
عمارتی که هونگ یه ووک
توشه؛ هیچ خبری نداری
که مال کیه؟



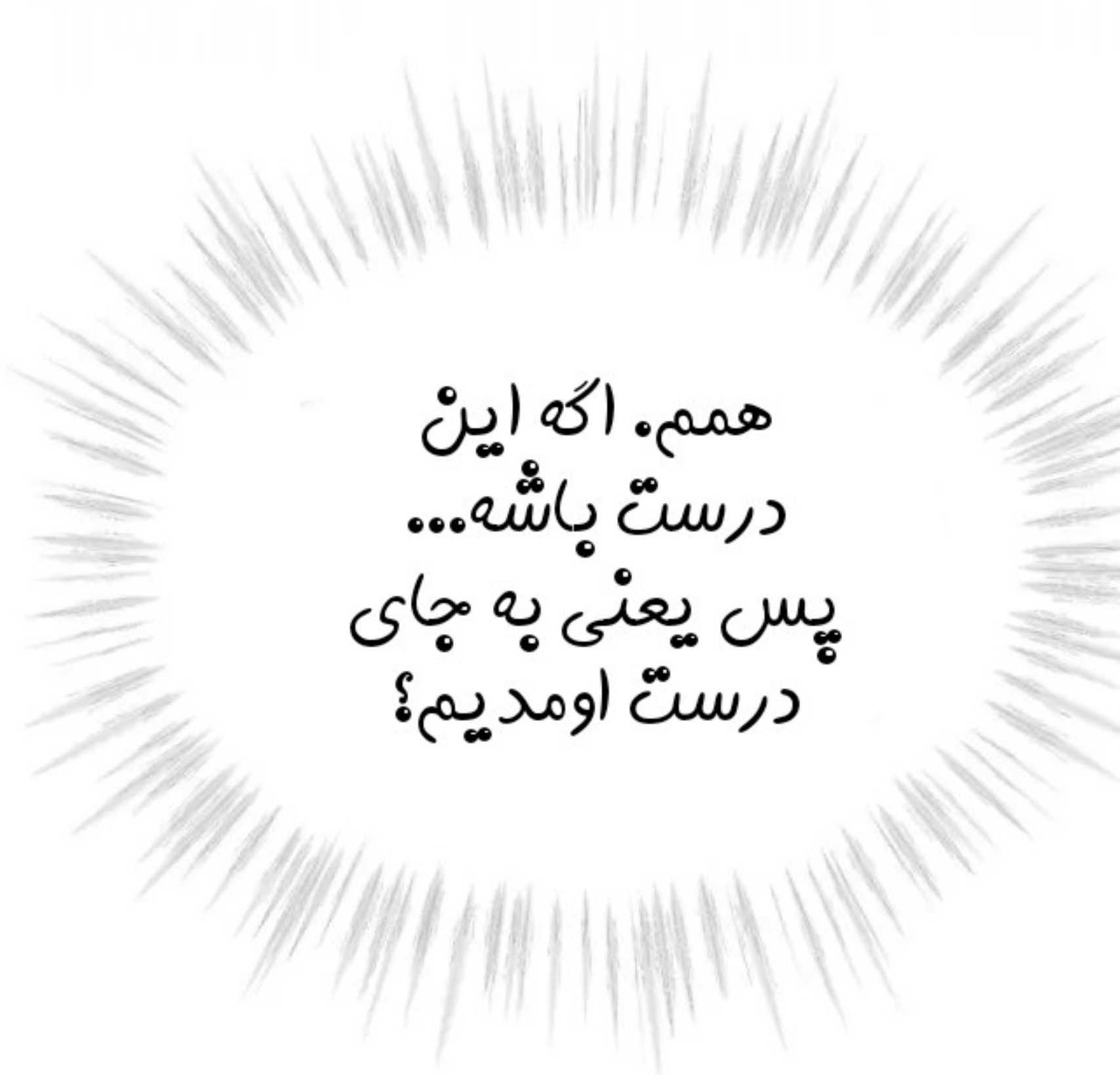
کمو بیش.
چشمم به یه نماد افتاد
که روی در جلویی هک
شده بود.

اون برای
هر روسی یه چیز
آشناست.

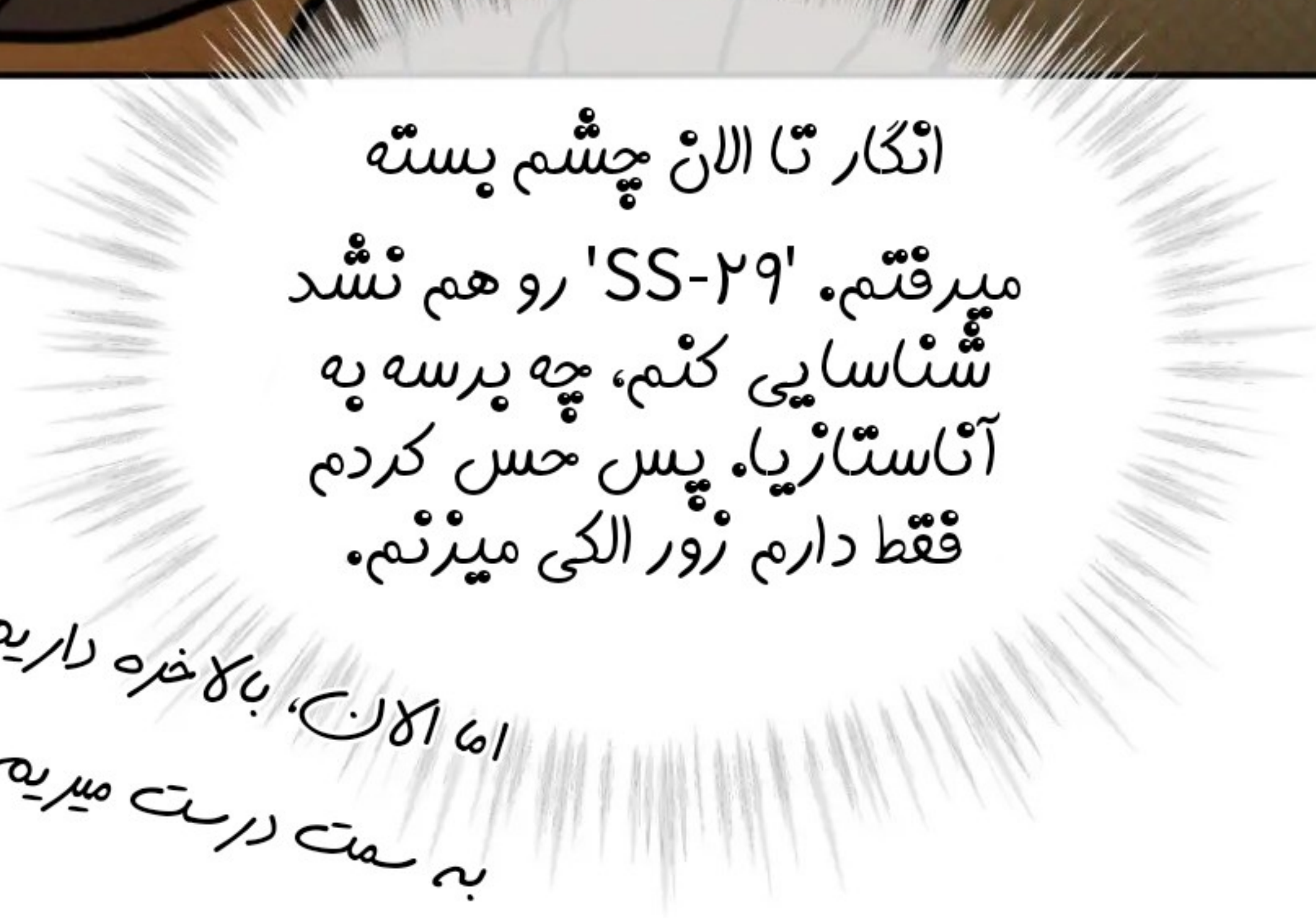




اون نماد...
یه علامت تجاریه که
نمایانگر خانواده‌ی
بوگاندوفه.



همم. اگه این
درست باشه...
پس یعنی به جای
درست اومدیم؟



انگار تا الان چشم بسته
میرفتم. 'SS-۲۹' رو هم نشد
شناسایی کنم، چه پرسه به
آناستازیا. پس حس کردم
فقط دارم زور الکی میزنم.

اما الان، بالاخره داریم
به سمت درست میریم...



تراق

تراق

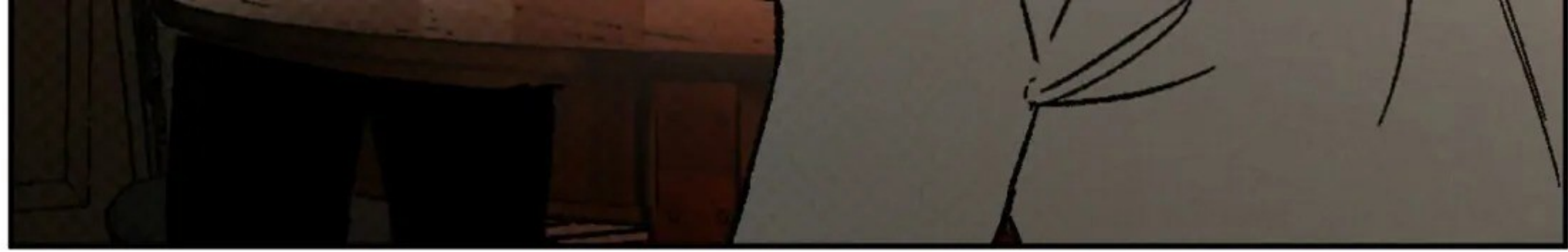


خیلی خب. باید نوبتی
عمار تو زیر نظر بگیریم؛ تا
بینیم فرصتی برای داخل
رفتن پیش میاد یا نه.

باشه،
چرا که نه.

ایستادن

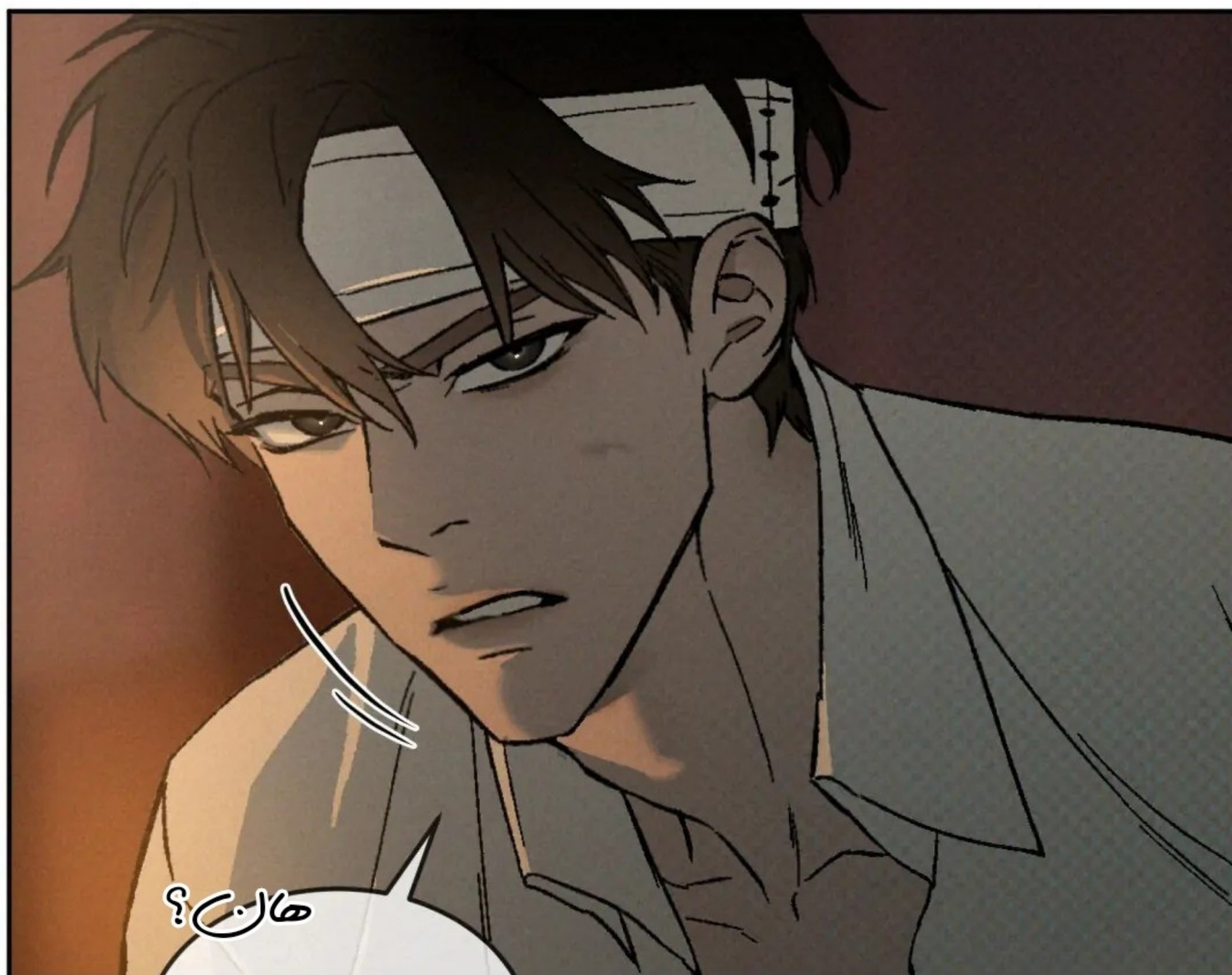




اوه. راستی،
اونطور که شنیدم... اینجا
یه بانیا* داره... میخوای
باهام بیای؟



*بانیا: سونای سنتی روسی



حاج؟

'بانیا'...؟

پخش شدن چالش‌ها و
موانع گذشته مثل حلقه
فیلم‌های قدیمی.



آسیب روحی

ناخشنود...



افت فشار

بدن درده

هووف... لعنتی.
از اینکه واقعاً هوس
سونا کردم دارم
قاطی میکنم.

یعنی واقعاً
پاید توی سونا هم
بخطرات اون حرومی
مودی اذیت بشم؟

آخرین چیزی
که میخواهم گیر
افتادن توی یه فضای
کوچیک با اونه.



اما... این عجیبه،
تا چایی که من دیدم،
ژنیا تا حالا بدنشو به
کسی نشون نداده.

حتی در زمان
سکس هم لباس تنش
بوده فقط زنه کامل لخت
شده بود...

جدا... اولی ناره
چی مضمی میکنه؟

فقط کم بشو ز پیش
باز شده پرده...



قصه...

...باشه.

اسپرینگز آناستازیا

چپتر 31

نویسنده: بوی ساسون



جج

همونطور که ازیه روسی
مئل رنیا انتظار میرفت.

اون بدون ودکا نمیتونه
زندگی کنه، حتی توی سونا...

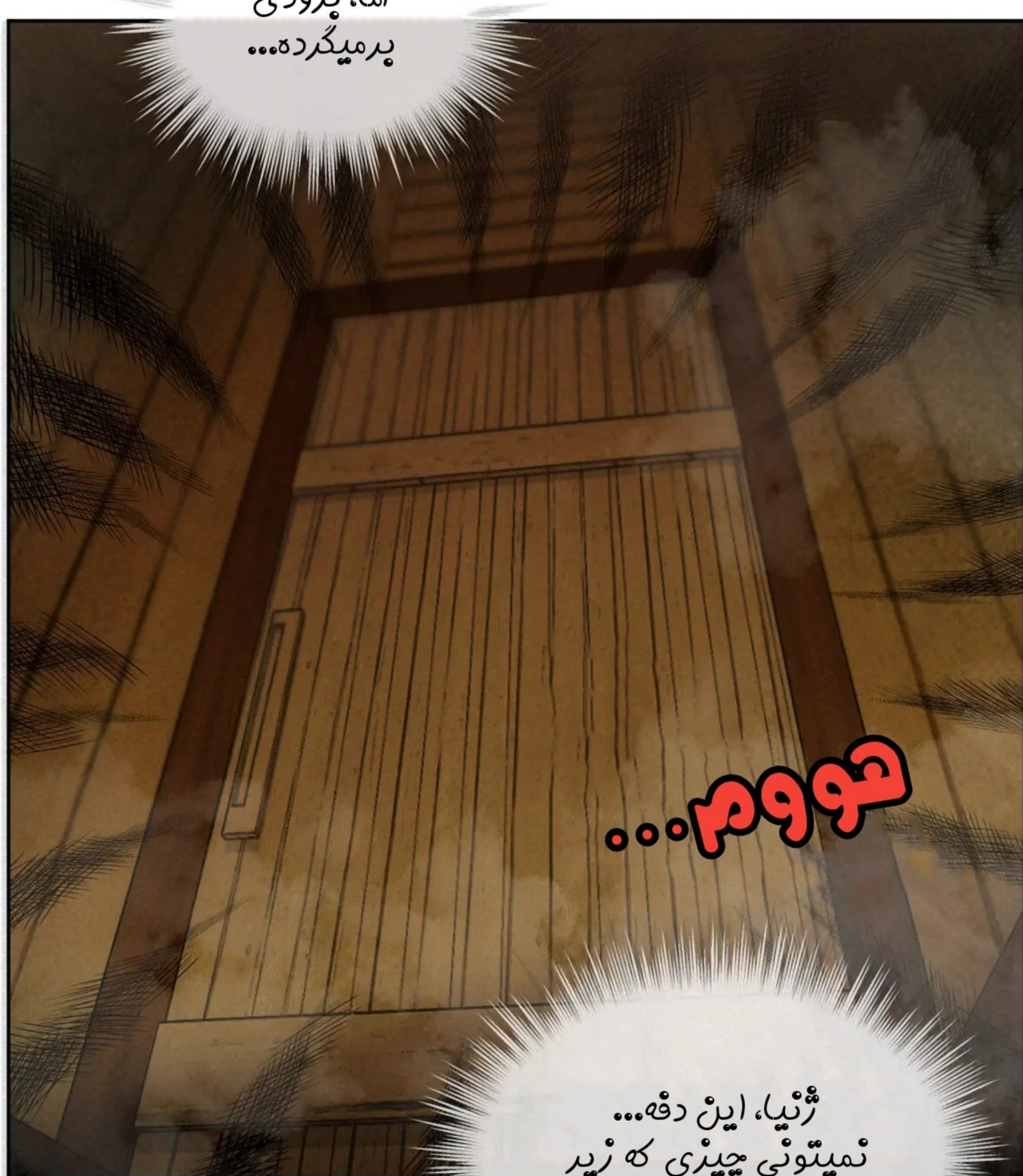
هووف...



اما، بزودی
پرمیگردد...

هووم...

ژنیا، این دفعه...
نمیتونی چیزی که زیر
لباسته رو مخفی کنی.



هووف...!

اه... نمیدونم چرا
این حسو دارم. عادیه
که روی بدن یم همجنس
انقدر گیر باشم؟



نه، نه... اونجوری
نیست. چیزی که مشکوکه،
اون خرومیه. مشکل اون.

نیمیره یکم
لخت بشه که... پس
قضیه چیه؟

غزازه

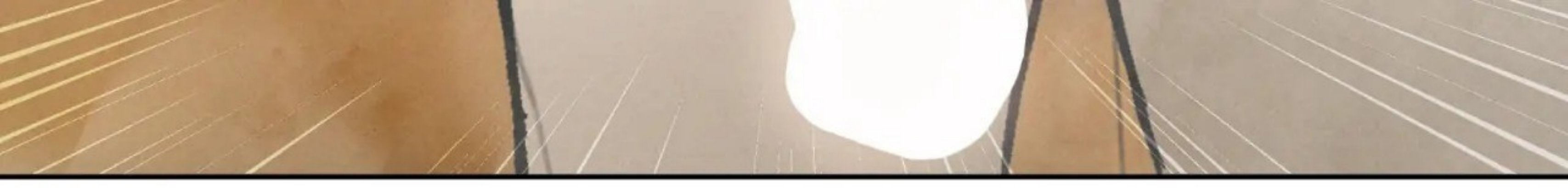
كش كشي



كشي

أويزون





.....!



سایز نرمالش
حتی قبل از شق
کردنم همینه...؟

گوه خورای، اولن
چیز به سلاح.



تاپ

تاپ





نگاه

.....

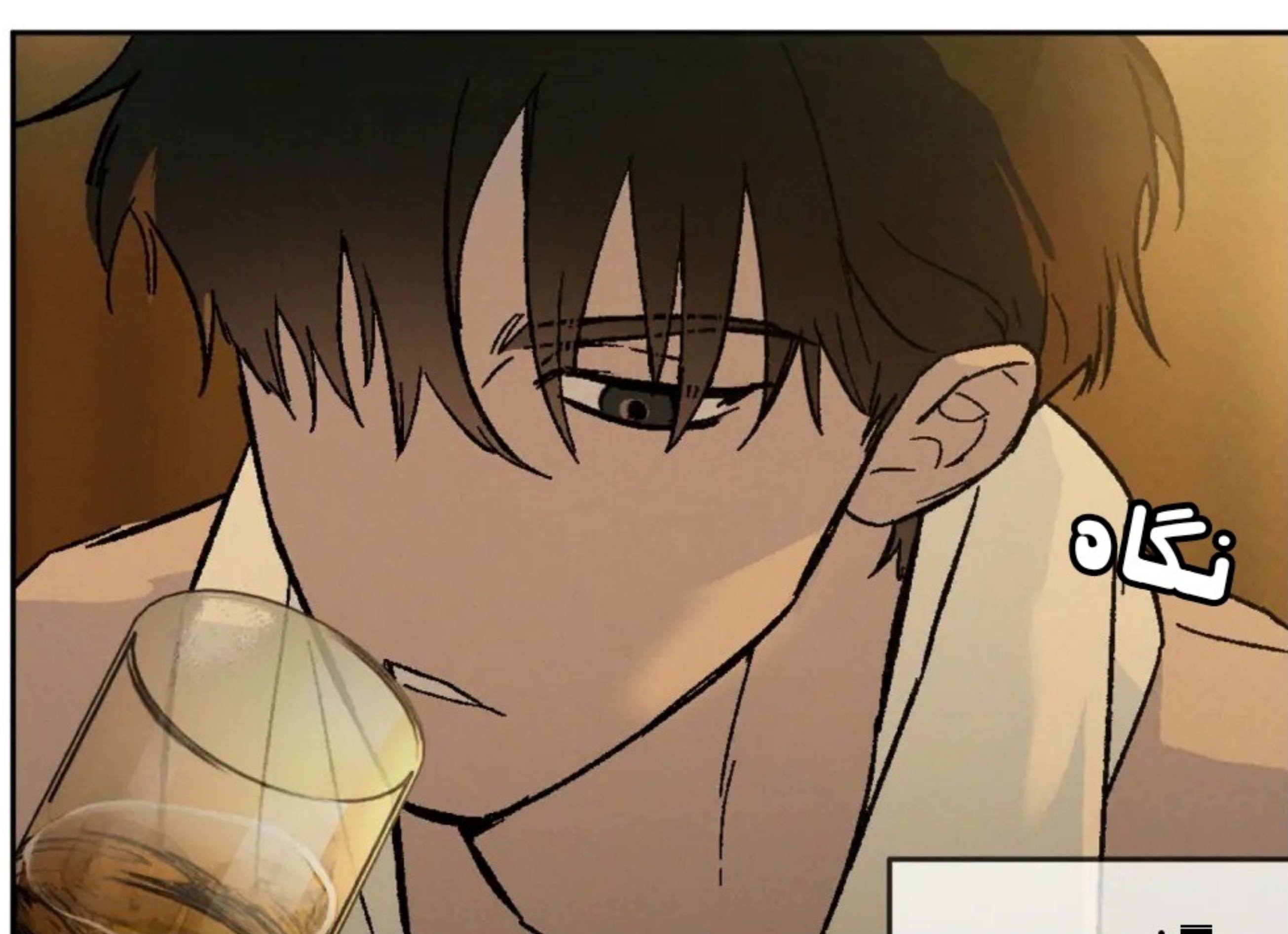
AS



زل نردن
میتونه تصمیم عادلانه
باشه...

چون وقتی
سفت بشه... میکنمش
توی هر سوراخی که
دم دستم باشه.





بگذریم...
بالاخره بدنشواز
نزدیک دیدم...

در نگاه اول، بدنش صافو
محکم به نظر میاد... به
دونه زخم یا تتو هم نداره.



نمیتونم سر در بیارم چرا
تصمیم گرفت محتاط باشه و
این همه وقت تنشو پنهان کنه.
...آخه واسه چی اینجوری کرد؟
حتماً به دلیلی پشتش هست.

هاه. این چیه؟
من فکر میکردم این همه
وقت با ادای ساده بودن
سعی داشتی به چیز مهمو
مخفی نگه داری.



یعنی انقدر
دلت میخواست تنمو
بینی؟

چه قدرای
بد بدی میکنی.

چچ...
این حرومی هنوزم
زیونش درازه.



شتلیپ



چک... چک
فوش...



ها...



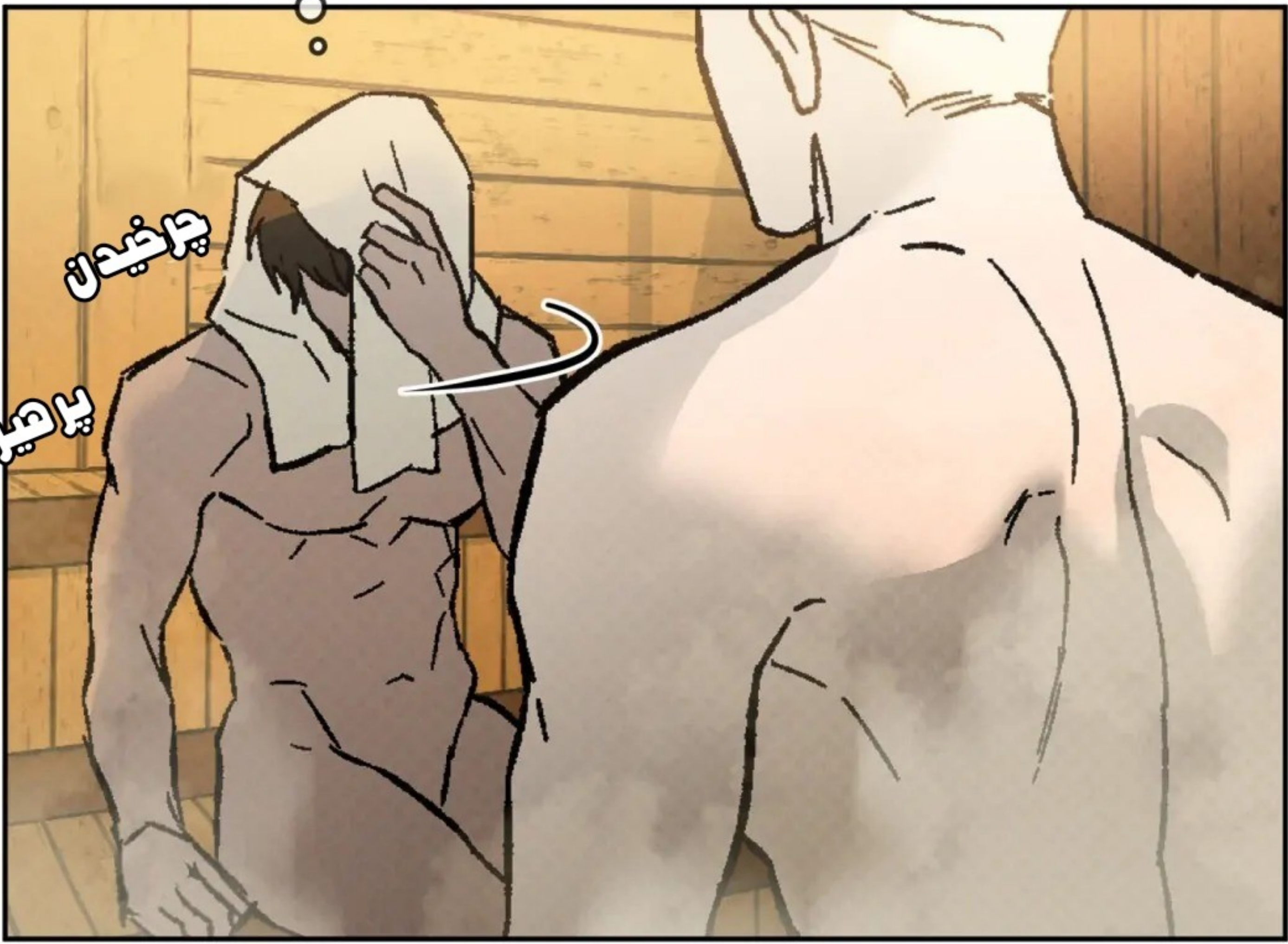


باز کردن



جا خوردن

ای بابا... بدون اینکه
خودمم بفهمم زیادی
بهنس نل زدم.



چراغین

یا صفا

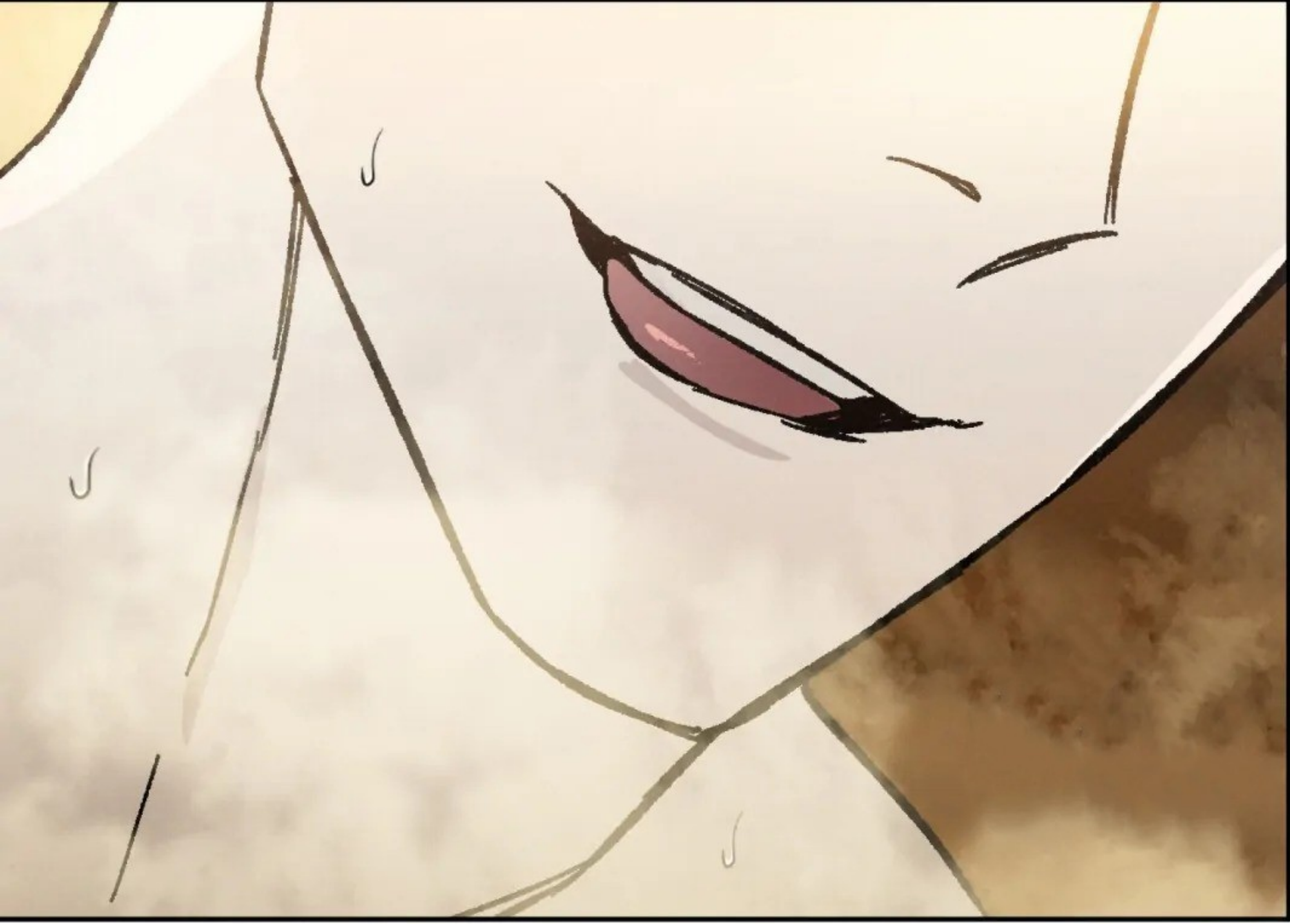
بیا به دور
دیگه بریم.

ایختن

کاری از تیم
ترجمه و ادیت انوئی سکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید

.....





الان يكم
بيشتر با عقل جور
درميااد...



بدون شک،
اون کونت...



تقریباً حیفه
که روی بدن یت
مرد باشه...





به خود آمدن...



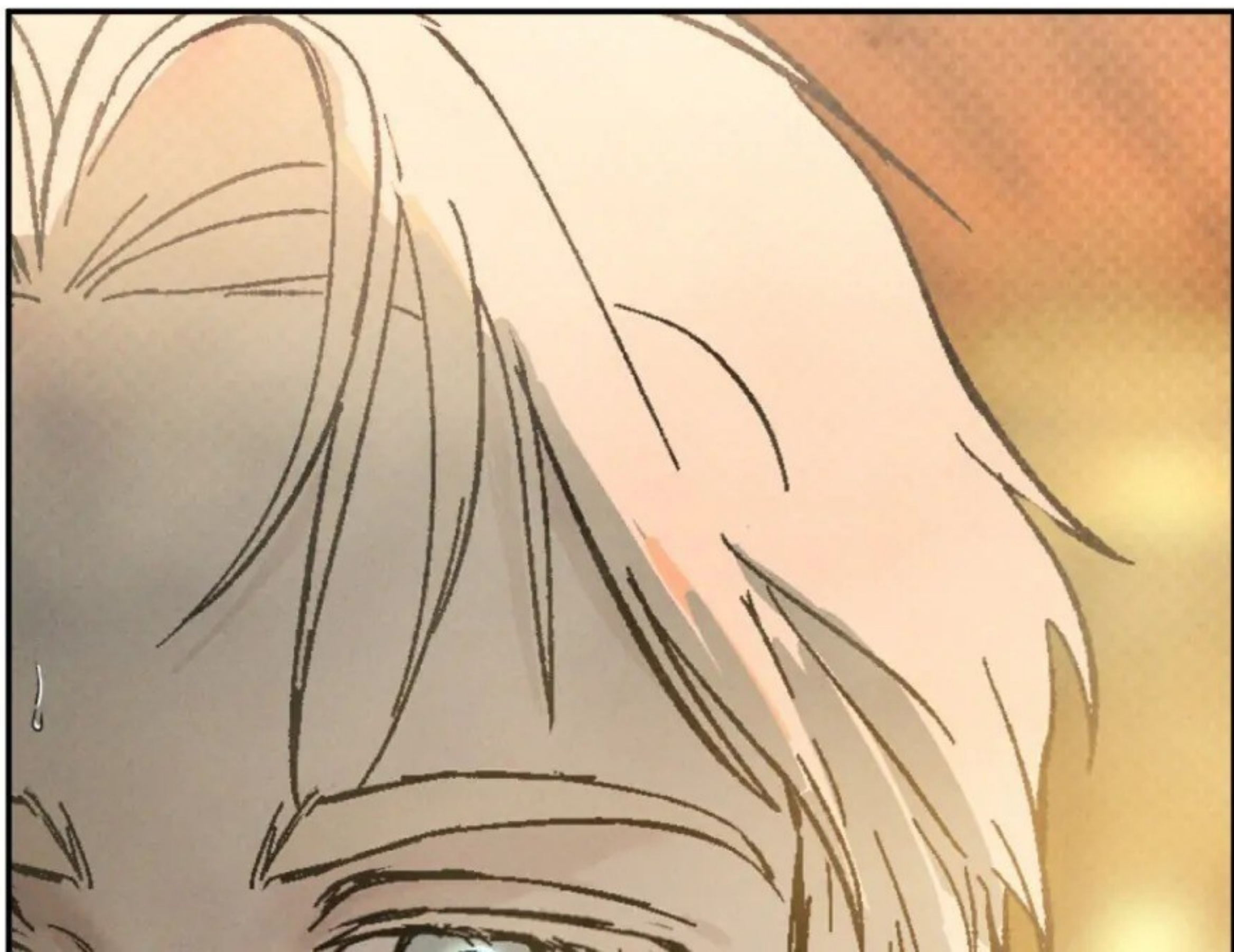
...

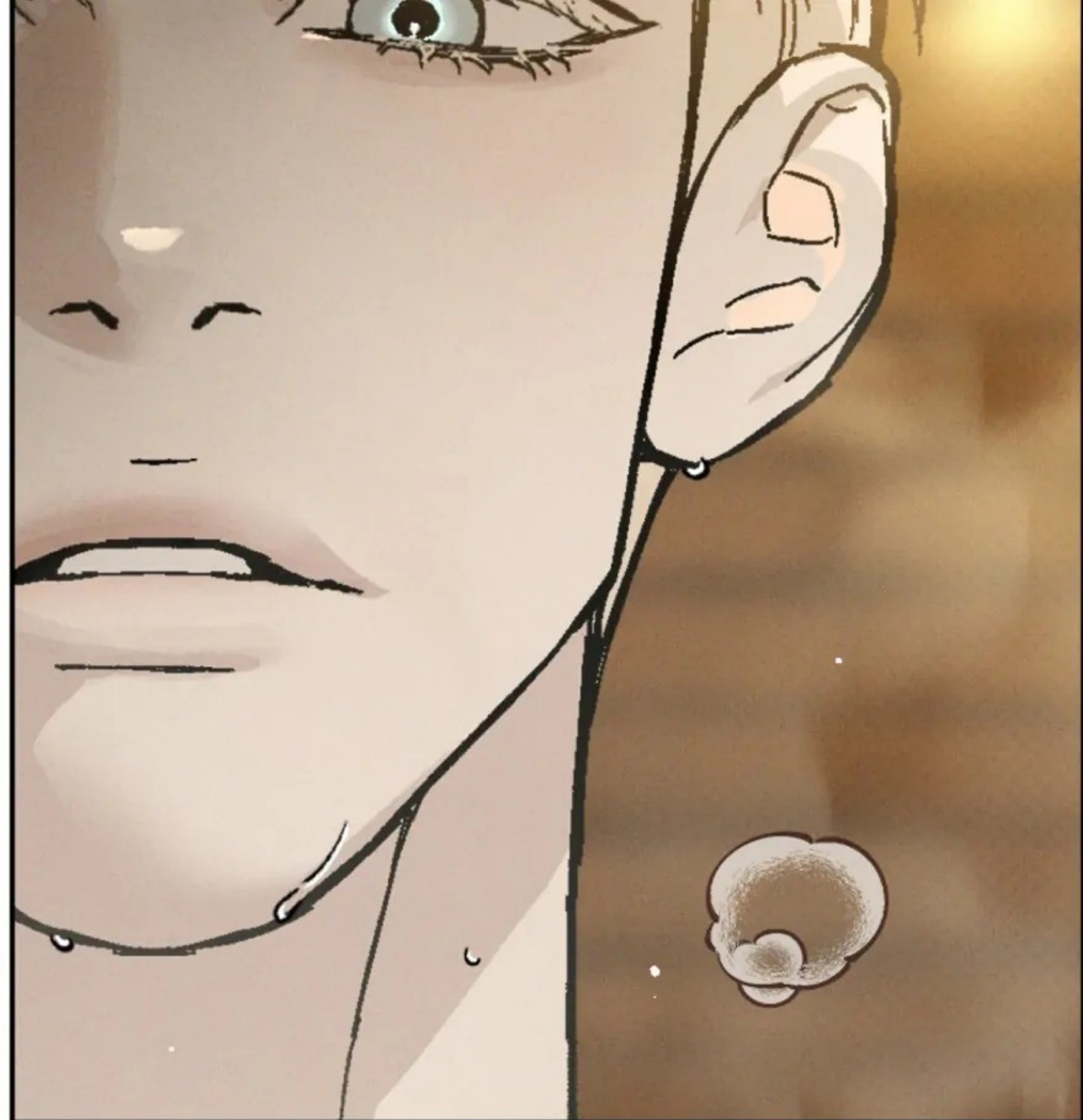


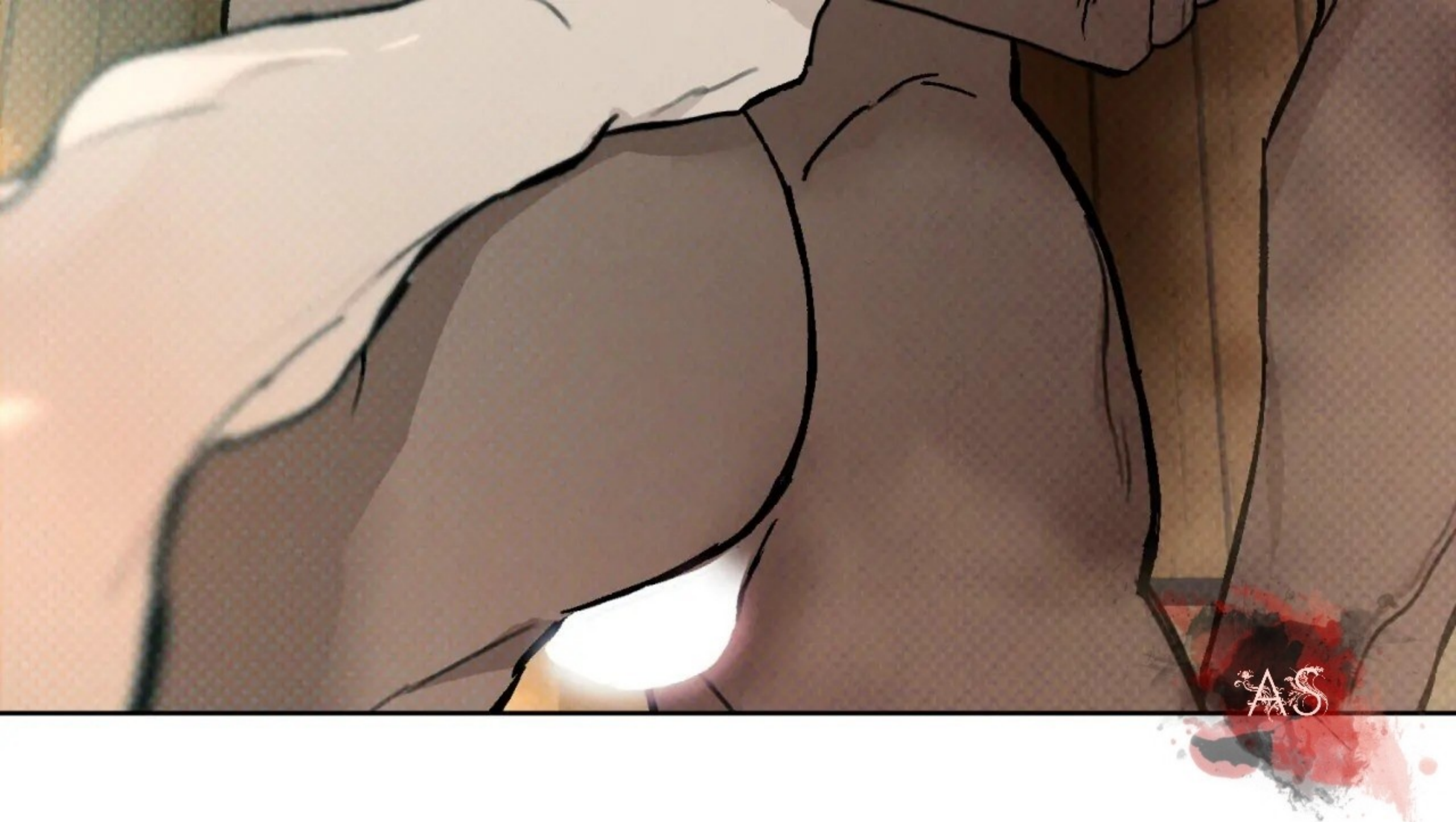
توربین



مکت-







ادامه دارند...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)